

## علامه حلی

(۴)

درسه شماره گذشته شمه‌ای از زندگانی نابغه بزرگ شیعه علامه حلی را نگاشتیم و اینک با رعایت اختصار قسمت آخر آنرا در این شماره از نظر خوانندگان میگذرانیم. در خلال مقالات گذشته خاطر نشان ساختیم که علامه حلی در شهر تاریخی و شیعه نشین حله و در یک خانواده بزرگ علمی و دینی و میان انبوه علما و دانشمندان نامی رشد کرد، و در همان سنین خورد سالی علوم متداول عصر را تکمیل نمود و با سرعتی شگفت‌انگیز مراحل مختلفه آنرا پیمود.

هوش سرشار و لیاقت و استمداد خارق العاده علامه چیزی نیست که نیازی با اثبات داشته باشد زیرا: قولی است که چملگی بر آنند. حتی دانشمند رجالی معروف شیخ ابو علی حائری در کتاب «منتهی المقال» از سید عبدالله شوشتری نقل میکند که علامه در سنین کودکی و پیش از آنکه بالغ شود بدرجه اجتهاد رسید و مردم انتظار میکشیدند که به تکلیف رسد تا از وی تقلید کنند.

بطوریکه از بعضی نوشته‌های خود علامه استفاده میشود وی در عنفوان جوانی و خیلی زود دست بنالیف و تصنیف زد و آثار آنروز و امروز در شمار بهترین کتب علمی شیعه و مورد استفاده دانشمندان بزرگ است. وی در دیباچه «منتهی الوصول الی علم الاصول» گوید: در بیست و شش سالگی به نگارشهای فلسفی خویش پایان دادم و بنگارش اصول و فقه پرداختم ولیکن چون تاریخ نگارش چندین کتاب کلامی او پس از ۷۰ قمری میباشد باید گفت مقصود او کتب عقلی خالص است نه کتب کلامی و اصول دین (۱)

جایگاه علامه در عالم علم

بطوریکه از انبوه تالیفات و آثار ارجدار علامه استفاده میشود و چنانکه از داوری و

اعتراف دانشمندان موافق و مخالف پیدا است، علامه حلی بیگمان یکی از درخشنده ترین ستارگان فروزان آسمان علم بوده که جهان اسلام نظیرو را کمتر بیاد دارد. او در علوم عقلی فلسفه و کلام و منطق و ریاضی و هیئت و هندسه و غیره و علوم نقلی تفسیر و حدیث و فقه و اصول و رجال و ادب مهارتی بسزاداشته بلکه باید گفت در تمام آنها استاد مسلم عصر بوده است وی در تمام این رشته‌ها کتاب نوشته و کتب او نیز بهترین گواه این مدعا است علامه بواسطه سرعت انتقال و فهم قوی و فکر مواجش، هنگام تألیف و تصنیف بنگارش یک کتاب در یک علم اکتفا نمی کرده بلکه فی المثل گاهی قسمتی از یک کتاب اصول را مینوشته و سپس آنرا رها کرده بتألیف کتابی در تفسیر مشغول شده و یک جلد آنرا بپایان آورده آنگاه بدون اینکه آنرا تکمیل نماید بنگارش جلد دوم یا سوم کتابی در فقه پرداخته و هنوز دوره آنرا خاتمه نداده دست به تصنیف کتابی در کلام یا منطق زده است. . . حتی چنانکه از تصانیف پراکنده اش استفاده میشود هنگام تألیف و تصنیف از بس شتاب داشته؛ با همه هوش زاید الوصفش؛ گاهی در چند کتاب آراء و نظریات مختلف اظهار نموده و چون فرصتی برای مراجعه نداشته است متوجه آن نبوده یا اگر وده اعتماد برای جدیدش میکرده و با اصلاح رأی سابق نمی پرداخته است از اینرو می بینیم در کتب اصولی و فقهی ری که بیش از سایر علوم مورد عنايتش بوده دارای آراء و اقوال گوناگونی است که خود موجب حیرت قتهاه و مجتهدین بعد از او واقع شده است

دیگر اینکه چون علامه در عصری میزیسته که سلطه خلفای متعصب عباسی و مخالفین شیعه با حمله مقل از میان رفته بود و شیعیان از آزادی مذهب و بیان عقاید خود برخوردار بوده اند؛ مخصوصاً بعد از آنکه سلطان محمد خدا پنده پادشاه مقل با حضور علامه و بوسیله او بمذبح شیعه امامیه گروید و سعی در رسمی کردن این مذهب نمود؛ علامه نیز با استفاده از فرصت در تمام تألیفاتش توجه مخصوصی داشته که در هر مورد مزیت مذهب و افکار شیعه را اثبات کند، چنانکه این معنی بخوبی از مطالعه کتب وی در تمام علوم و فنونی که نوشته است آشکار است.

### قسمتی از آثار قلمی وی

شیخ فخرالدین طریحی مؤلف «مجمع البحرین» در لفظ «علم» کتاب مزبور از یکی از دانشمندان نقل میکند که پانصد جلد کتاب از تألیفات علامه بخط خودش دیده شده و این تعداد غیر از سایر تألیفات اوست که بخط دیگری بوده است یکی از دانشمندان که شرح بر تجرید نوشته گفته است مؤلفات علامه حلی هزار مجلد بوده است. مؤلف ریحانة الادب اسامی (۱۲۰) کتاب او را نوشته است ولی خود علامه در کتاب خلاصه ۶۷ جلد کتاب خود را نام برده است. البته کتاب خلاصه آخرین تألیف او نیست و مسلم است که او بعدها نیز کتب دیگر پرا برشته تحریر کشیده است

مرحوم سید محسن امین عاملی در « اعیان الشیعہ » یکصد و نہ کتاب علامہ را نام برده و کتب ہر موضوعی را جدا گانہ ذکر کردہ است ؛ باین شرح : در علم فقہ و احکام اسلامی ہر مبنای شیعہ ۲۰ کتاب ، در اصول فقہ ۹ کتاب ، در علم کلام و عقائد ۲۸ کتاب ؛ در فلسفہ و منطق ۲۴ کتاب در تفسیر ۲ کتاب ، در حدیث ۶ کتاب ؛ در علم رجال ۴ کتاب ؛ در علم نحو ۴ کتاب ، در ادبیہ ۴ کتاب ، در فضائل امیر المؤمنین علیہ السلام ۲ کتاب ؛ در فتون مختلفہ ۳ کتاب . جواب مسائل علمی و اجازات ، ۵ کتاب ، باید دانست اینہا کتابہائی است کہ بدست آمدہ یا چاپ شدہ است و گرنہ بطور حتم آثار علمی علامہ بیش از اینہا بودہ کہ اغلب مانند سایر آثار فکری و قلمی دیگر بزرگان اسلام یا از میان رفتہ و یاد لالان اروپائی خریدہ و از مالک اسلامی بیرون بردہ زینت بخش کتابخانہای خویش نمودہ اند .

### علامہ در نظر دانشمندان شیعہ

علامہ یکی از بزرگترین شخصیتہای علمی است کہ بانبوغ و ابتکارات خویش ، در عرصہ خود در علم و فنی تحولی ایجاد نمود و از ہر راہ کہ میسر بود علماً و عملاً و قولاً و لساناً شیرہای تازه و فکر نوی پدید آورد ، چنانکہ گفتیم از حیث ادب و اخلاق و تقوی و فضیلت و بزرگی روح و قداست نفس نمونہ کاملی بودہ ، و از لحاظ نموج فکری و قریبہ سیال علمی و معلومات وسیع نظیر نداشتہ ؛ و بدون مبالغہ در تالیف و تصنیف و کثرت کار و فعالیت علمی یکی از نوادر روزگار بودہ است . بہمین جهت وی در نظر بزرگان دانشمندان ما معروف بہ « علامہ » و نخستین کسی است کہ « آیت اللہ » خوانندہ شدہ . (۱)

فقہا و مجتہدین بزرگہ شیعہ در زمان حیات علامہ و بعد از وی تا کنون تقدم او را در تمام

(۱) جای بسی تأسف است کہ این لقب شریف امروز اهمیت خود را تقریباً از دست دادہ است ، این لقب کہ تا زمان مجتہد بزرگہ و رئیس عالیقدر شیعہ میرزای شیرازی ، فقط اختصاص بہ شخصیت عالی مقامی همچون علامہ حلی داشتہ و بعدہا نیز فقط لقب خاص مراجع بزرگی همچون آیت اللہ خراسانی و یزدی و اسفہانی و حائری قمی بودہ ؛ و فقط مجتہدین بزرگہ و مراجع تقلید را « آیت اللہ » می گفتند مع الوصف امروز اشخاص غیر صلاحیتداری کہ گاہی افرادی مجہول و بسیار کم مایہ ہم میباشند ؛ ہوس آیت اللہی پیدا کردہ و بدون استحقاق خود را « آیت اللہ » نامیدہ ، و از باب جراند نیز باین وضع آشفتنہ دامن زدہ با انتشار آن اقدام نمودہ و بالنتیجہ موجب ہتک احترام مجتہدین واقعی و مراجع تقلید و زعمای حوزه های علمیہ شیعہ کہ شایستہ این لقب ہستند شدہ است . حتی لقب « علامہ » نیز کہ روزی لقب خاص بزرگ مردی چون علامہ حلی بودہ امروز چنان بی ارزش شدہ کہ بدون قید و شرط بہر کسی گنیتہ میشود ا

علوم دینی واحاطه بر علوم عقلی ستوده و خود را ریزه خوار خون نعمت او میدانند ، افکار علامه و آراء مختلف او در ابواب فقه و اصول و کلام شب و روز ورد زبان فضلا و دانشمندان و فقها و مجتهدین شیعه و کمتر خانه و کتابخانه دانشمندی از دانشمندان شیعه است که از کتب علامه حلی خالی باشد .

مادرزیر از میان گفتار ده ها دانشمند شیعی ؛ قسمتی از آنچه سه دانشمند بزرگ و فقیه عالی مقام ما درباره علامه نوشته اند آورده و توجه خوانندگان را بدان معطوف می داریم .  
 فقیه مشهور و محدث عالی مقام شیخ حر عاملی مؤلف کتاب مشهور «سائل الشیعه» در کتاب «امل الامل» مینویسد: «فاضل دانشمند علامه العلماء؛ محقق مدقق؛ ثقة موثق؛ فقیه محدث، متکلم ماهر؛ جلیل القدر عظیم الشأن بلند مرتبه ، بمانند او در علوم عقلی و نقلی دیده نشده ؛ فضائل و نیکوئیهای او بیش از آنست که شمرده شود ...»

و نیز دانشمند بزرگ میرزا عبدالله افندی اصنهبانی در کتاب گرانمایه « ریاض العلماء» ضمن مدح بلیغی که طبق معمول نویسندگان قدیم از علامه نموده از جمله مینویسد: «وی در نظر دانشمندان مامعروف به «علامه» است . بطوریکه هر گاه « علامه » گفته شود او بنظر می آید . علامه حلی حق بزرگی بر طایفه شیعه امامیه دارد ؛ زیرا وی با زبان و بیان و تدریس و تألیف خود خدمتی بس عظیم بمذهب شیعه نمود . او جامع همه علوم بود و در تمام اقسام آن کتاب نوشته است . علامه حکیمی متکلم ، فقیه محدث ؛ اصولی ادیب ، و شاعر ماهر بوده ، قسمتی از اشعار او را در شهر اردبیل دیدم که حاکی از توانائی او در انواع شعر بود ...»

همچنین علامه بحر العلوم در کتاب «رجال» با بهترین عبارت علامه و مقام علمی و عملی و مهارت او را در تمام علوم ستوده و به تفصیل شرح داده است که قسمتی از آن بدینگونه مسطور میگردد:  
 « علامه در هر علمی کتابها نوشته ؛ در فقه که خود استاد این فن و شناگر آن بحر مواج بوده ؛ دوازده کتاب تصنیف فرموده که پناهگاه علما و محل رجوع فقهاست ؛ ۱- کتاب «منتهی المطلب فی تحقیق المذهب» مشتمل بر تمام عبادات و اندکی از معاملات ؛ ۲- نهایة الاحکام فی معرفة الاحکام ؛ ۳- تذکرة الفقهاء ؛ ۴- مخلف الشیعه فی احکام الشریعه ؛ ۵- تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه ، ۶- قواعد الاحکام ؛ ۷- ارشاد الازهان الی احکام الایمان ؛ ۸- تلخیص المرام فی معرفة الاحکام ، ۹- تبصرة المتعلمین فی احکام الدین ، ۱۰- رساله واجب الاعتقاد ، ۱۱- الرساله السعدیه ، ۱۲- جوابهای مسائل سید بزرگوار مهنابن سنان مدنی نخستین کتب فقهی علامه کتاب «منتهی» و آخرین آنها «مختلف» و بهترین و دقیقترین و محکمترین آنها «قواعد» و مفیدترین آنها برای اهل استدلال مختلف و منتهی و تذکره و جامع تر

و آسان تر از همه برای مطالعه «تحریر» است .

راجع بمهارت وی در علم اصول باید گفت او سرآمد علمای این فن و کعبه آمال خواستاران و سررشته دار آنست، و در علم منطق و کلام ، شیخ الرئیس و فخرالدین رازی است . به علاوه علامه در تفسیر و حدیث و فنون عربیت دارای تألیفات بسیار است .

### علامه و دانشمندان اهل تسنن

دانشمندان اهل تسنن که بعد از علامه آمده اند ، هر چند بملاحظه اینکه وی باعث تشیع سلطان محمد خدابنده پادشاه مغول شده چندان روی خوشی بوی نشان نداده اند؛ اما نتوانسته اند نبوغ و مقام علمی و ملکات فاضله اخلاقی او را نادیده بگیرند . از جمله ابن حجر عسقلانی در جلد دوم و لسان المیزان ، مینویسد حسین بن یوسف بن مطهر حلی ، عالم شیعه و پیشوای آنهاست که موافق مذهب آنان کتابها نوشته است ، علامه دارای هوش خارق العاده بود . کتاب مختصر ابن حاجب را بخوبی شرح کرده و کتابی نفیس و سهل المأخذ و از هر جهت قابل استفاده از کار در آمده تصنیفات علامه در زمان خودش مشهور گشت . تقی الدین ابن تیمیه کتابی در رد او نوشت و نام آن را اله رد علی الرافضی ، گذاشت . علامه حلی نامش در همه جا منتشر گشت و دارای اخلاق نیکو بود چون یکی از تألیفات ابن تیمیه را که در رد او نوشته بود ، بنظرش رساندند ؛ گفت : اگر ابن تیمیه می فهمید من چه میگویم بوی جواب میدادم !

و هم ابن حجر در جلد (۶) لسان المیزان در لفظ «یوسف» که نام پدر علامه است و او آنرا نام علامه پنداشته شرحی درباره علامه نوشته و از جمله میگوید : «وی پیشوای علمای شیعه بود . . . ابن تیمیه بعضی از کتب او را رد کرد من یکی از آنها را دیده ام که در رد علامه اعمال غرض نموده و بسیاری از روایات صحیح و معتبری را که علامه نقل کرده ، ابن تیمیه رد نموده وی بواسطه مباهله و اصرار در نکوهش علامه حلی گاهی بحضرت علی رضی الله عنه نیز گستاخی روا داشته و مقام او را پائین آورده است . . .»

ابن حجر در جلد دوم کتاب «الدرر الکامنه» نیز درباره علامه سخن گفته ولی متأسفانه نام علامه را که «حسن بن یوسف» است ؛ اشتباه به حسین ، نموده و هم در اینجا و هم در جلد دوم لسان المیزان او را در لفظ «حسین بن یوسف» یاد کرده و بعد توضیح میدهد که نام علامه حسین است و بعضی نیز حسن گویند !

بهر جهت ابن حجر در الدرر الکامنه مینویسد : «وی در اصول و حکمت کتب بسیار نوشته وی پیشوای شیعه حله بوده و تصنیفاتش در زمان خودش مشهور گشت و گروهی از دانشمندان از محض روی پر خاستند .

شرحی که وی بر کتاب «مختصر» ابن حاجب نوشته از لحاظ حل الفاظ و تقریب معانی آن درمتهای خوبی است. وی در اواخر عمرش به حج خانه خدا رفت و گروهی در چند فن نزد وی فارغ التحصیل گشتند . . . .

ابن تیمیه که در اینجا از وی سخن بیان آمد، یکی از رؤسای فرقه وهابی است که مردی افراطی و بسیار خشک و متعصب بوده؛ بطوریکه حتی ابن حجر که خود سنی نسبتاً متعصبی است؛ بروی خورده گرفته و گفته وی در رد علامه پارا از دایره ادب فراتر نهاده و در راه دشمنی با علامه مقام با عظمت امیر المؤمنین علیه السلام را پائین آورده است.

برای درک شخصیت علمی و مقام شامخ علامه کافی است که نامه بیضاوی دانشمند بزرگ سنی را که مشتمل بر سؤال از علامه درباره یک مسئله اصولی است از نظر بگذرانیم. این نامه و جواب آن را برخی از دانشمندان از جمله عالم عالی مقام آقازهی قزوینی در لسان الخواص ذکر نموده بیضاوی در آغاز نامه خود علامه را بدینگونه مخاطب میسازد: **یا مولانا جمال الدین ادام الله فواضلك! انت امام المجتهدین فی علم الاصول!** ما نمیدانیم در جائیکه دانشمندی عظیم همچون بیضاوی که مهارت وی در اصول فقه و کلام و تفسیر و علوم عربیت زبان زد خاص و عام است علامه حلی راه پیشوای مجتهدین و علمای اصول، بدانند دیگر ابن تیمیه وهابی و امثال او چه میگویند؟ علامه بسال ۷۲۶ در سن ۷۸ سالگی در زادگاهش شهر حله چشم از جهان فانی فرو بست و مرغ روح پر فتوحش در آشیان جنان پخته شد پس بدن بی روح او را به نجف اشرف آورده و در ایوان حرم مطهر شاه ولایت علی (ع) مدفون ساختند.

## ضایعه اسفناک

یکی از ضایعات اسفناک ماه گذشته، فوت دانشمند بزرگوار **حجة الاسلام آقای حاج سراج انصاری** بود بیشتر هموطنان گرامی با نام این مرد مبارز آشنا هستند و تالیفات و آثار قلمی ذیقیمت ایشان را دیده اند.

مرحوم حاج سراج انصاری در طول عمر گرانبهای خود خدمات پر ارزشی به عالم اسلام کرد و آثار قلمی جالبی از خود بیادگار گذاشت.

در بجهت فعالیت دسته‌های منحرف مبارزات پی گیری بوسیله بیان و قلم با آنها نمود و با منطق جذاب و مستدل خود برای روشن ساختن افکار عمومی قدمهای مؤثری برداشت.

خدمات ذیقیمت آن فقید سعید در تأسیس جمعیت اسلامی « اتحادیه مسلمین » و نشر « **مجله مسلمین** » فراموش نشدنی است. ما این حادثه اسفناک را بجامه روحانیت و عموم خوانندگان گرامی تسلیت میگوئیم.